





دانشگاه علامه طباطبایی
پردیس آموزشهای نیمه حضوری

رساله کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی

تحلیل سبکی پنجاه غزل خواجهی کرمانی

نگارش:

لیلا کمالخانی

استاد راهنما:

دکتر شیرزاد طایفی

استاد مشاور:

دکتر علی اکبر عطرفی

استاد داور:

دکتر شیخ مونسی

تابستان ۱۳۹۰



تقدیم به پدر و مادر عزیزم



با سپاس فراوان از

تمامی استادانی که در این راه یاری ام داده اند؛ از جمله کسانی که محضرشان را درک نکرده ام و فقط با قلم ایشان آشنا شده ام و نیز استادانی که از حضورشان بهره برده ام؛ همچون

جناب آقای دکتر طایفی؛

(استاد راهنما)


و جناب آقای دکتر عطرفی؛

(استاد مشاور)

به خاطر یاری و حمایت فراوانشان

و

سپاس از:



پدر و مادرم

تنها گنجینه‌های زندگی ام

به خاطر تمام زندگی ام

چکیده:

در این پژوهش با نگاهی سبک‌شناسانه به ۵۰ غزل از خواجهی کرمانی، غزل‌های انتخابی در ۳ سطح زبانی، ادبی و فکری و بر اساس دیدگاه دکتر شمیسا مورد بررسی قرار گرفته و در هر سطح، توضیح و تحلیلی همراه با شواهدی از غزلها آمده، آن‌گاه نتیجه به دست آمده مطرح شده است. در سطح زبانی، بیشتر فعلها در زمان حال به کار رفته و ساختار درصد بالایی از جملات، روان است. استفاده از لغات عربی بسامد بالایی دارد که در بیشتر موارد شامل لغات پرکاربرد در زبان فارسی است. البته در مواردی نیز لغاتی با کاربرد کمتر دیده می‌شود. عیوب قافیه نیز به ندرت به چشم می‌خورد.

در سطح ادبی، کلمات مسجع و آهنگین بسامد بالایی دارد و یکی از بارزترین خصیصه‌ها است. شاعر از تصویرگری فراوان، بهره برده است؛ به گونه‌ای که گاه به دلیل بسامد بالای صنایع، فهم سخن منوط به کشف این تصاویر می‌شود. خواجه با اصرار، سعی در به کارگیری بیشتر آرایه‌ها دارد. در سطح فکری، مفاهیم و معانی عاشقانه بر بیشتر غزلها حکمفرماست. موضوع غزلها بیشتر عشق و غم ناشی از آن است؛ به همین دلیل غزلها بیشتر دارای وزنهایی سنگین و القاء‌کننده غم هستند که تناسب کاملی با متن اشعار دارد. رگه‌هایی از عرفان نیز در شعر خواجه مشاهده می‌شود؛ که بیان عشق و عرفان، درونگرایی و تنهایی، از جمله ویژگیهای شعر این دوره می‌باشد.

کلید واژه:

خواجهی کرمانی، غزل فارسی، شعر قرن هشتم، سبک‌شناسی شعر، سطح زبانی، سطح ادبی، سطح فکری

بسمه تعالی

۱	مقدمه
۶	بخش اول: کلیات
۷	فصل اول
۸	تعاریف و مفاهیم
۸	سبک
۸	تعریف سبک
۱۰	سبک شناسی
۱۱	ویژگیهای سبک عراقی
۱۲	غزل
۱۲	تعریف غزل
۱۳	مضمون غزل از دیدگاه پژوهشگران
۱۳	منشأ غزل
۱۵	فصل دوم
۱۶	مختصری درباره احوال و آثار خواجهی کرمانی
۱۶	زندگینامه
۱۷	عقیدت و طریقت خواجه
۱۸	آثار خواجه
۲۰	قبر خواجه
۲۰	خواجه و حافظ
۲۱	تخلص خواجه
۲۲	متن غزلهای انتخابی

۵۳	بخش دوم: بررسی سبک شناسانه ۵۰ غزل خواجهی کرمانی
۵۴	فصل اول
۵۵	تحلیل سبکی ۵۰ غزل خواجهی کرمانی
۵۵	سطح زبانی
۵۵	مقدمه
۵۵	بررسی اسمها
۵۹	بررسی فعلها
۶۳	بررسی جمله
۶۳	سطح نحوی جملات
۶۴	مقدم داشتن فعل
۶۴	جملات بدون فعل
۶۵	سطح آوایی
۶۵	موسیقی بیرونی (وزن)
۶۵	موسیقی کناری (قافیه و ردیف)
۶۷	موسیقی درونی (صنایع بدیع لفظی)
۶۷	مختصات آوایی سبک قدیم
۶۸	ترکیبات
۶۹	زبان معیار
۷۱	سطح ادبی
۷۱	مقدمه
۷۱	بیان
۷۱	تشبیه
۷۹	استعاره

۸۴	کنایه
۸۷	مجاز
۸۹	معانی
۹۱	بدیع
۹۲	بدیع لفظی
۹۲	تسجیع
۹۵	تجنیس
۹۸	تکریر
۹۹	بدیع معنوی
۱۰۵	سطح فکری
۱۲۰	فصل دوم
۱۲۱	نتیجه گیری
۱۲۸	پیوستها
۷۴۹	واژه نامه
۷۵۱	منابع

لازم به ذکر است، مقاله ای از پژوهش حاضر؛ تدوین شده که طبق گواهی زیر، از سوی فصلنامه تخصصی سبک شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب) پذیرفته شده است و در نوبت چاپ قرار دارد.

فصلنامه تخصصی سبک شناسی نظم و نثر فارسی	تاریخ: ۹۰/۶/۲۷
(بهار ادب)	شماره: ب ۲۲۲
علمی - پژوهشی	پیوست: ندارد

بنام خدا

گواهی میشود مقاله مشترک استاد محترم جناب آقای دکتر شیرزاد طایفی و پژوهشگر محترم سرکار خانم لیلا کمالخانی با عنوان « تحلیل سبک شناسانه پنجاه غزل خواجهی کرمانی » دارای داوری مثبت بوده و در شماره پانزدهم (بهار ۹۱) این مجله بچاپ خواهد رسید .



تهران - خ انقلاب - خ فخر رازی - بن بست شهید فاتحی داریان - پلاک ۲ - طبقه اول -
واحد ۱۱ کد پستی ۱۳۱۴۷۳۴۸۵۳ تلفن: ۶۶۴۸۱۴۹۱ دورنگار: ۶۶۴۹۴۰۸۵
* info@bahareadab.com ، www.bahareadab.com

پیشگفتار

برای انتخاب موضوع پایان نامه، ابتدا مشورت هایی با استادان گرامی صورت گرفت و درباره موضوع هایی بحث و تبادل نظر شد و در نهایت با آگاهی کامل، موضوع پیش رو به عنوان زمینه مطالعاتی رساله کارشناسی ارشد بنده انتخاب گردید.

حوزه مورد علاقه نگارنده، ادبیات کهن بود و از میان متون نظم و نثر، به نظم گرایش بیشتری احساس می شد و از بین انواع شعر نیز غزل جای خاص خود را داشت. با توجه به این که حافظ از محبوبترین شعرا در نزد بسیاری از مردم ایران، به خصوص ادب دوستان است، شعر قرن هشتم محور اصلی انتخاب موضوع قرار گرفت.

جایگاه حافظ بر همگان مشخص است و الگو بودن این شاعر بزرگ برای بسیاری از شعرا نیز جای تردیدی ندارد؛ اما همین که بدانیم شاعری دیگر در همان قرن می زیسته که از نظر بسیاری از محققان به عنوان الگوی حافظ معرفی شده است و اینکه حافظ برخی از مضمونهای غزل این شاعر را در شعر خود آورده است، کافی است تا ذهن را متوجه شخصیت و شعر این شاعر کند.

از میان شعرای مطرح قرن هشتم، خواجوی کرمانی، که بنا به تصدیق بسیاری از بزرگان، معلم و هم سخن حافظ بوده است، جایگاه ویژه ای دارد. با مطالعه دیوان غزلیات او به این باور رسیدیم که شاید به واقع در حق این شاعر بزرگ کوتاهی شده است. غزلیاتی زیبا و خوش آهنگ با تصاویری بدیع و دلنشین که شاید هر بار با مطالعه یک غزل، بتوان به مفهومی جدید دست یافت.

در پایان از راهنمایی های بسیار ارزنده جناب آقایان دکتر **شیرزاد طایفی**، به عنوان استاد راهنما و دکتر **علی اکبر عطفی**، به عنوان استاد مشاور و همچنین آقای دکتر **مستعلی پارسا**، مدیر گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبایی، که از زمان انتخاب موضوع یاریگر اینجانب بوده اند، سپاس های ویژه ای دارم.

مقدمه

ظهور خواجه در عصری بوده است که سعدی عاشقانه‌ترین‌ها و حضرت مولانا، عارفانه‌ترین‌ها را سروده بودند، پس از آن نیز حافظ قصر غزل را تسخیر کرد و در این بین، شعر خواجه بی‌مهری‌ها دید و از یادها رفت. حافظ شیرازی را همه می‌شناسند و هر کسی حتی یک بار هم شده سری به دیوانش زده است. سعدی نیز برای همه شناخته شده است و شاید هر کسی دست کم یک بیت از او را به خاطر داشته باشد. اما کمتر کسی خواجه را که از جمله کسانی بوده که به پیوستگی غزل عاشقانه و عارفانه کمک کرده است، می‌شناسد و یا شعرش را به یاد می‌آورد.

درباره خواجه کرمانی بررسی سبک شناسانه‌ای انجام نگرفته است. در تحلیل سبکی شعر این امکان وجود دارد که در سطوح مختلف دستور زبانی و مسایل مربوط به حوزه ادب و اندیشه یک شاعر، به طور دقیق و بر مبنای آمار و درصدها نه به صورت تخمینی و حدسی نظری ارایه شود و از روی نتایج تحلیل زبانی و ادبی به تحلیل فکری شاعر می‌توان دست یافت و پرده‌های ذهن او را شکافت تا آنچه را که می‌اندیشیده و به قلم آورده است، دریافت.

دیوان خواجه بالغ بر پانزده هزار و هفتاد و شش بیت است و شعرهایش از نظر کمی بسیار و از نظر کیفی قابل توجه هستند.

در غزل همه او را مقلد سعدی و حتی «دزد دیوان سعدی» دانسته‌اند اما در واقع او از آن دسته شاعرانی است که مابین دوره زمانی سعدی و حافظ قرار داشته است، یعنی غزل‌های عارفانه و عاشقانه را به هم آمیخته است. بخصوص در غزل‌های عالی دیوان بدایع الجمال این خاصیت را به واقع می‌بینیم (صفا، ۱۳۵۲: ۹۰۲). به طور کلی باید گفت، جهان بینی خواجه و سعدی با هم مشابه نبوده است. بلکه خواجه سخن را از سعدی

می‌گیرد ولی آن را با جهان بینی خود بیان می‌کند. همانگونه که حافظ نیز چنین می‌کند و مضمون را از خواجه می‌گیرد و به طریق خود بیان می‌کند (انوری، ۱۳۷۰: ۸۴).

لازم به ذکر است، غزل فارسی از سنایی تا سعدی، تحولاتی را پشت سر گذاشته، در پایان قرن هفتم ویژگیهای خاص خود را داشت؛ از جمله وحدت موضوعی غزل که تا آستانه قرن هشتم ادامه یافت؛ اما در قرن هفتم از این یکپارچگی و تک موضوعی فاصله گرفت و بیشتر غزلهای شاعران این قرن از جمله خواجه، چند موضوعی است و او یکی از بنیانگذاران این موضوع به شمار می‌رود که البته این برجستگی نیز به دلیل کم توجهی به این شاعر، از نوآوریهای حافظ محسوب شده است. مفاهیمی چون وارستگی از غم جهان، تظاهر به باورهای خلاف عرف، دید جمال ستایانه به انسان، مقابله می با حکومت دنیایی، جام جم و فرّ جم و ... از جمله مفاهیم مطرح شده در شعر خواجه است که در سروده های شاعران بعدی این عصر، به خصوص در غزل حافظ انعکاس یافته است (عبادیان، ۱۳۷۰: ۸۵۲-۸۶۶)

شیوه خواجه در غزل، سادگی و روانی است و گاه این سادگی و روانی به درجه ای است که می‌توان بدون تغییر دادن واژه های هر بیت و یا تنها با جابجا نمودن بعضی از واژه های ابیات غزلها، آنها را به صورت نثر ساده و بدون پیرایه درآورد (خائفی، ۱۳۷۰: ۳۹۰).

☑ روش انجام کار

ابتدا دیوان خواجوی کرمانی مورد بررسی قرار گرفت. در انتخاب غزلها، سعی بر این بود که غزلهایی با وزنهای متنوع و موسیقایی و همچنین از نظر حروف الفبایی از تمام قسمتهای دیوان انتخاب شوند.

غزلها از دیوان خواجه، که شامل صنایع الکمال و بدایع الجمال می‌باشد، انتخاب شده است. غزلهای دیوان صنایع الکمال به دو دسته حضریات و سفریات تقسیم شده و غزلهای بدایع الجمال به شوقیات معروف است.

غزلهای انتخاب شده از این سه بخش به شرح زیر می‌باشند:

۱۳ غزل از بخش سفریات

۲۶ غزل از بخش حضریات

۱۱ غزل از بخش شوقیات

و غزلها از ۸ وزن متنوع انتخاب شده اند که تعداد وزنها به شرح زیر است:

وزن	تعداد	وزن	تعداد
رجز	۲	سریع	۲
رمل	۱۱	مجث	۱۲
هزج	۱۰	منسرح	۳
مضارع	۹	متقارب	۱

غزلها پس از انتخاب، در سه مرحله مورد بررسی واقع شده اند:

۱. **سطح زبانی:** پس از مطالعه غزلها و بررسی اسمها و فعلها، نتایج در جداول آمده است. از روی جداول و آمار مربوط به آن، درصدها به دست آمد و از روی درصدها نتایج حاصل شدند. همچنین درباره نحو و آوا، نتایج بررسی در قسمت تحلیل آمده است.

۲. **سطح ادبی:** اشعار در سه مقوله بیان، معانی، بدیع بررسی شدند و نتایج در جداول آورده شد. درصدها بنا بر نتایج جداول به دست آمد و نتایج حاصل شده و مثالهای مربوط به آن، در قسمت تحلیل بیان شدند.

۳. **سطح فکری:** از روی نتایج دو سطح ادبی و زبانی و همچنین با مطالعه اشعار، تحلیل فکری صورت گرفت.

در هر قسمت بنا به اقتضا از تعاریف و مثالهای مربوط به هر بخش، بهره گرفته شده است. در ابتدای بحثها نمودارهایی برای مقایسه مطالب و آماده سازی ذهن خواننده آورده شده است.

لازم به ذکر است در مورد ساختار کلی پایان نامه، از رساله سرکار خانم سارا پاشا بهره گرفته شده است (پاشا، ۱۳۸۹).

نکته: در جداول بخش پیوست، در برخی موارد کلمه، مصراع، بیت و یا ترکیب آورده شده است. غزلها در جدولهای بخش پیوست با شماره از ۱ تا ۵۰ مشخص شده است. در متن نیز، ارجاع ابیات غزلها به صورت (بیت/ غزل) مشخص شده است: شماره سمت راست بیت و سمت چپ شماره غزل به همان ترتیب از ۱ تا ۵۰.

✓ سابقه پژوهش

دربارهٔ خواجه و شعر او تحقیقات مختلفی انجام شده است. از جمله مجموعه مقالات «کنگره جهانی بزرگداشت خواجهی کرمانی» که یکی از منابع اصلی این پژوهش بوده است. پایان نامه هایی نیز با عناوین گوناگون ایهام، بدیع و بیان در اشعار خواجه نوشته شده است؛ اما تحقیق جامعی دربارهٔ تحلیل سبکی اشعار خواجه که همه موارد را در برداشته باشد، صورت نگرفته است. چنین ضرورتی باعث شکل گیری پژوهش حاضر شد تا بر اساس یافته های نوین سبکی بخشی از شعرهای خواجه و به تبع آن اندیشهٔ او مورد بررسی قرار گیرد.

✓ بیان سؤالیهای پژوهش

در این پژوهش سعی بر این بوده است که خصوصیات سبکی غزلیات خواجه را مورد تحلیل قرار دهیم و پرسشهایی که در این رساله باید به آنها پاسخ داده شود به قرار زیر است:

۱. مهمترین مضمونهای غزل خواجه کدام است؟
۲. ویژگیهای زبانی غزلهای خواجه کدام است؟
۳. ویژگیهای سبکی ادبی غزلهای خواجه چیست؟
۴. بازتاب مسائل عرفانی در غزلهای او چگونه است؟
۵. آیا مسائل تاریخی - سیاسی - اجتماعی در غزل او نمود پیدا کرده است؟
۶. آیا خواجه دارای سبک خاص خود است یا پیرو سبک پیشینیان می باشد؟

✓ فرضیه های پژوهش

در این پژوهش، ابتدا ویژگیهای سبکی غزلیات انتخابی خواجه در سه سطح زبانی، ادبی و فکری به دست آمده و در نهایت تحلیلی برای هر یک ارائه شده است.

در بررسی سطح زبانی انتظار می رفت از واژه های جدیدتر نسبت به دوره های پیشین، استفاده شود البته انتظار استفاده از واژه های کهن نیز دور از ذهن نبود. با مرور اجمالی بر اشعار، درصدی از واژه های عربی نیز

دیده شد بیشتر لغتها آشنا بودند به جز واژه های عربی و چندین لغت جدید که برای دانستن معانی آنها به فرهنگ لغت مراجعه شد.

در بررسی سطح ادبی نیز انتظار بکار رفتن فراوان صنایع بیانی و بدیعی را داشتیم. غزلی از خواجه نبود که با خواندن اولیه تشبیهات و یا تسجیعات را به ذهن نیاورد.

در بررسی سطح فکری نیز انتظار رگه های عرفان در شعر خواجه وجود داشت. همچنین بیشتر غزلها به نظر عاشقانه می آمدند.

در این پژوهش سعی بر این است که علاوه بر رسیدن به مطالب مطرح شده در سطور بالا در مورد تحلیل سبکی به نتایج زیر نیز دست یابیم:

- داده های سبک شناسانه برای تحلیل زمینه های فرهنگی، زبانی و فکری یک اثر ادبی ضرورتی مهم است.

- می توان با تحلیل سبک شناختی اثری رنگ زمان، احوال اجتماع و حالات و روحیات نویسنده را دریافت.

- با توجه به یافته های حاصل از تحلیل سبک شناختی می توان وضعیت ادبی دوره مولف را بازکاوی کرد.

بخش اول

کلیات

فصل اول

تعاریف و مفاهیم

تعاریف و مفاهیم

در این فصل، در ابتدا تعریفی از سبک و سبک شناسی آورده شده است. سپس به دیدگاه چند تن از استادان در این زمینه پرداخته شده است و در نهایت به دیدگاه شمیسا پرداخته ایم که این پایان نامه بر اساس دیدگاه ایشان تدوین شده است.

در بخش بعد به تعریف غزل، منشأ پیدایش و ویژگیهای آن پرداخته شده است. مضمون غزل از دیدگاه پژوهشگران فارسی آورده شده و در بخشی دیگر زندگی و شعر خواجهی کرمانی، آثار این شاعر بزرگ و تأثیر او بر حافظ بررسی شده و در پایان نیز متن غزلهای انتخابی آورده شده است.

سبک

تعریف سبک

☑ سبک در لغت

لغتنامه دهخدا:

«گداختن چیزی را پس از ریختن (منتهی الارب). گداختن سیم و جز آن (دهار)» (دهخدا، ذیل واژه سبک).

فرهنگ فارسی لغت معین:

«۱. طرز، شیوه. ۲. روشی خاص که هنرمند ادراک و احساس خود را بیان می‌کند. ۳. فلز ذوب شده را در

قالب ریختن» (معین، ذیل واژه سبک).

در لغت تازی به معنی گداختن و ریختن زر و نقره است و از لغت ستلیوس یونانی گرفته شده است و به معنی ستون و در عرف ادب و اصطلاح، به طرز ادایی که از لحاظ مشخصات و وجوه امتیازی اثر نسبت به هنرهای زیبای مشابه دارد، اطلاق می‌شود. (بهار: ۱۳۷۶، ۱۸)

☑ سبک در اصطلاح

در لغتنامه دهخدا آمده است:

«ادبای قرن اخیر سبک را مجازاً به معنی «طرز خاصی از نظم یا نثر» استعمال کرده‌اند و تقریباً آن را در برابر «استیل» اروپاییان نهاده‌اند. سبک در اصطلاح ادبیات عبارتست از روش خاص ادراک و بیان افکار به وسیله ترکیب کلمات و انتخاب الفاظ و طرز تعبیر. سبک اثر ادبی وجهه خاص خود را از لحاظ صورت و معنی القاء می‌کند و آن نیز به نوبه خویش وابسته به طرز تفکر گوینده یا نویسنده درباره «حقیقت» می‌باشد. بنابراین سبک به معنی عام خود عبارتست از تحقیق ادبی یک نوع ادراک در جهان که خصایص اصلی محول خویش (اثر منظم یا منشور) را مشخص می‌سازد.» (دهخدا، ذیل واژه سبک)

محمدجعفر محجوب

«به عبارت بهتر، سبک هر کس، روشی است که برای بیان اندیشه خود برمی‌گزیند مشروط بر اینکه این روش را خود ابداع کرده باشد یا حداقل با روش دیگران متفاوت باشد.» (محجوب، ۱۳۴۷: ۴۹)

محمد تقی بهار

«سبک در اصطلاح ادبیات عبارت است از روش خاص ادراک و بیان افکار به وسیله ترکیب کلمات و انتخاب الفاظ و طرز تعبیر، سبک به یک اثر ادبی وجهه خاص خود را از لحاظ صورت و معنی القا می‌کند و آن نیز به نوبه خویش وابسته به طرز تفکر گوینده یا نویسنده درباره حقیقت می‌باشد» (بهار، ۱۳۶۹، ج اول: د).

عبدالحسین زرین کوب:

«سبک که عبارتست از شیوه خاص در نزد هر گوینده - تعبیر صادقانه ایست از طرز فکر و مزاج طبع او.»

(زرین کوب، ۱۳۷۹: ۱۷۵)

و شمیسا نیز سبک را حاصل نگاه خاص هنرمند به جهان درون و بیرون می‌داند و به عقیده او هر دید ویژه‌ای در زبان ویژه‌ای رخ می‌نماید (شمیسا، ۱۳۸۸ : ۱۸).

سبک شناسی

پیشینه سبک شناسی را باید در یونان و روم جستجو کرد. افلاطون سبک را کیفیت و امتیازی تعریف می‌کند که گوینده‌ای به لحاظ برخورداری از الگوی مناسب و شایسته کلام از آن بهره‌مند است و گوینده‌ای دیگر به دلیل فقدان این الگوی مناسب، از آن بی بهره است؛ اما ارسطو سبک را خاصیت ذاتی کلام می‌داند و معتقد است هر اثری دارای سبک است حال این سبک ممکن است پست، متوسط یا عالی باشد. سبک خصوصیتی اکتسابی است اما به درجات مختلف تقسیم بندی می‌شود (امین پور، ۱۳۸۴ : ۱۷۹-۱۸۲).

در حوزه ادبی ما، سبک شناسی را به شیوه یک سیستم علمی، ملک الشعرا محمد تقی بهار بنیاد نهاد. بهار می‌نویسد که چگونه سبک شناسی جدید را از ندیم باشی و خاندان صید علی خان درگزی آموخته است :
«با همه این احوال هنوز در آن دوره شناختن «سبک» یا به اصطلاح ما «سبک شناسی» مورد توجه عموم قرار نگرفته و این علم که نطفه اش از یک قرن پیش در زهدان عهد صفویه بسته شده بود، آغاز کودکی و شیرخوارگی خود را طی می‌نمود... تتبع در شعر قدیم به وسیله سروش و شیبانی و محمود خان و خاندان صبا به حد کمال رسید و ندیم باشی برادر محمود خان ملک الشعرا که خجسته تخلص می‌کرد، در خراسان مجاورت گزید و در اواسط دوره ناصرالدین شاه و اوایل قرن چهاردهم هجری قمری محفل ادبی از هواداران «سبک ترکستانی» (نام آن روز سبک خراسانی) در شهر مشهد ایجاد شد.» (صالح راسخ، ۱۳۸۸، به نقل از وبلاگ)

سبک شناسی امروزه (در غرب) بیشتر در اختیار زبان‌شناسان قرار گرفته است. از این رو سوزت هیدن الگین می‌نویسد: «سبک شناسی به کاربرد اصول زبان‌شناسی در زبان ادبی اطلاق می‌گردد.» منظور او این است که با ابزارهای زبان‌شناسی به تجزیه و تحلیل زبان آثار ادبی بپردازیم.

اصطلاح «stylistics» در انگلیسی در سال ۱۸۴۶ به کار رفت. در فرانسه «stylistique» در ۱۸۷۲ در فرهنگ «Littre» بکار رفت. در آلمانی «stilistik» از نیمه اول قرن نوزدهم رایج شد (به عربی اسلوبیه می‌گویند) (همان).